



نامه محمود احمدی نژاد به ولیعهد سعودی نشان داد ذهنیات او چه قدر نسبت به شرایط منطقه غیرواقعی است

احمدی نژاد، ز غوغای منطقه فارغ



فرهیختگان محمود احمدی نژاد، رئیس‌جمهور سابق یک‌بار دیگر دست به قلم شد؛ این بار مخاطب او پاراک اوپاما یا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق و فعلی آمریکا نیستند. مخاطب تازه‌ترین نامه او، محمد بن سلمان، ولیعهد جوان عربستان سعودی است. برخلاف نامه‌های گذشته او این بار برای دنیا نسخه‌ای تجویز نکرده و افق دید خود را به محدوده غرب آسیا و بحران یمن محدود کرده است. احمدی نژاد در این نامه که متن آن امر عصر روز یکشنبه در رسانه‌ها منتشر شد، ولیعهد سعودی را مخاطب قرار داده و تلاش کرده راهکار پیشنهاد خود را برای پایان دادن به بحران یمن، ارائه دهد. احمدی نژاد در این نامه که رونوشتی از آن خطاب به آنتونیو گوترش، دبیرکل محترم سازمان ملل نگاشته شده، مدعی شده که محمد بن سلمان از وضعیت فعلی ناخشنود» و از اینکه روزانه جمعی از مردم بی‌گناه کشته‌زخمی می‌شوند، زیرساخت‌ها آسیب می‌بینند و منابع ملت‌های منطقه به جای سازندگی و ارتقای رفاه، امنیت و پیشرفت، صرف تخریب می‌شود ناراحت» است و «از این روز برقراری صلحی عادلانه» استقبال می‌کند. احمدی نژاد ادامه داده است که «از طرف دیگر اطمینان دارم که با همراهی و همکاری سازنده جنابعالی، اقدامات موثر و تعیین‌کننده‌ای در جهت پیشگیری از ادامه وضع اسف بار کنونی و پایان دادن به جنگ و خصومت قابل انجام است.» او پیشنهاد «برنامه اقدام مشترک منطقه‌ای» داده و نوشته: «علاوه بر آن تردیدی ندارم که اگر هزینه‌های سنگین جنگ جاری در قالب برنامه اقدام مشترک منطقه‌ای صرف همکاری برای عمران و آبادانی نشود، سایه ترس، وحشت، فقر و مرگ از سر مردم برداشته نشده و در پرتو صلح و برادری، حالات یک زندگی شرافتمندانه، عادلانه و آزادانه در کام همگان خواهد نشست.» او اعلام آمادگی کرده که تا در صورت موافقت بن سلمان و سید عبدالملک عبدالدین رهبر جنبش انصارالله یمن با تشکیل هیاتی از شخصیت‌های آزادی‌خواه، عدالت‌طلب و موجه جهانی از طریق گفت‌وگو با طرفین درگیر به حل مناقشه و برقراری صلح و دوستی یاری کند. درباره اینکه احمدی نژاد با چه هدفی دست به نگارش نامه‌های این چنینی می‌زند، باید کارشناسان مسائل سیاسی و استراتژیک رفتارشناس سخن بگویند. اما می‌توان درباره اینکه آیا واقعا آنچه در یمن در حال رخ دادن است و با انگیزه نهفته در آن همان چیزی است که احمدی نژاد تصور می‌کند، باید گفت که خیر. نه تنها درک او از تحولات یمن کودکانه و دور از واقعیت است که شناخت او نیز از پادشاه فعلی عربستان و به‌ویژه ولیعهد بی‌تجربه‌اش نیز ساده‌لوحانه است. محمد بن سلمان در سال‌های گذشته و با وجود تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به بحران یمن، تحت هیچ شرایطی حاضر به ترک مواضع نشده و حتی به آتش‌بس‌های اعلامی نیز پایبند نبوده است. در ۵ سال گذشته از تجاوز سعودی‌ها به یمن، بیش از ۱۰۰ هزار یمنی کشته شده‌اند که از این تعداد بیش از ۱۲ هزار غیرنظامی در نتیجه حملات مستقیم جان‌شان را از دست داده‌اند. براساس آماري که سازمان ملل منتشر کرده، از این تعداد نزدیک به هشت هزار نفر کودک بوده‌اند. اما این بن سلمان از این جنایات ادامه‌دار آن‌گونه که احمدی نژاد نوشته، نازحت است؟ پاسخ رami توان در تداوم حملات هوایی به یمن دریافت. اینکه آیا مناقشه و برقراری صلح با حضور احمدی نژاد و شخصیت‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب قابل تحقق است، نیاز به واکاوی دقیق‌تری دارد. باید پیش از پاسخ به این پرسش، اما جزئیات نظامی یمن اشاره کرد.

اهداف سعودی‌ها از تجاوز به یمن

پیش از تجاوز سعودی‌ها به یمن، آنها از پشتیبانان طرح امنیتی عبدالربہ منصور هادی رئیس‌جمهور وقت یمن بودند که براساس آن قرار بود یمن به ۶ اقلیم تقسیم شود؛ استان‌های نفت‌خیز در اختیار قبایل طرفدار عربستان قرار گیرد و در مقابل زیدی‌ها حداقل تماس مرزی را با عربستان سعودی داشته باشند و هیچ ارتباطی با دریا نداشته باشند. این طرح با مخالفت انصارالله هیچ‌گاه شکل اجرایی به خود نگرفت تا اینکه ائتلاف سعودی تهاجم علیه یمن را آغاز کرد اما درباره اینکه سعودی‌ها از تجاوز به یمن چه اهدافی را دنبال می‌کردند، باید به نکات زیر اشاره کرد:

موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک

یمن در جنوب شبه‌جزیره عرب، مرزهای دریایی گسترده‌ای در دریای سرخ و خلیج عدن دارد. موقعیت استراتژیک این کشور به لحاظ اشراف بر شاخ آفریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوگاترا، اهمیت ویژه‌ای به این کشور داده است. به علاوه، اشراف این کشور بر تنگه باب‌المنندب اهمیت مضاعفی به آن از نظر تأمین امنیت انرژی و ترانزیت کالا داده است. در واقع درصد زیادی از رفت‌وآمدی که در کانال سوئز صورت می‌گیرد، از باب‌المنندب هم می‌گذرد، پس به همان میزان که کانال سوئز حائز اهمیت است، باب‌المنندب هم مهم است. تجارت و تورسیم در شهرهای مهمی همچون جدّه و یمنیع (عربستان سعودی) و ده‌ها شهر ساحلی دیگر دریای سرخ تا حد زیادی به امنیت تنگه باب‌المنندب وابسته است، لذا علاوه بر اشراف یمن بر شاخ آفریقا، تأمین امنیت تنگه باب‌المنندب نیز جایگاه استراتژیک ویژه‌ای به این کشور داده است. از این رو، تسلط بر یمن برای عربستان سعودی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و عربستان سعودی سعی دارد تا به قدرت رساندن هم‌پیمانان خود در یمن، به‌طور غیرمستقیم بر این کشور تسلط داشته باشد.

این باره نوشتت که علت مداخله عربستان فراتر از حوثی‌ها و ایران است. علت اصلی این بود که ریاض قصد داشت تهدید دموکراسی نوپا را در خانه خود از بین ببرد. این دیپلمات همچنین تأکید کرد که مردم یمن آینده خود را از طریق مذاکرات و با آزادی انتخاب می‌کنند. به گفته این دیپلمات، معامله بن عمر به این توافق ختم شد که ۳۰ درصد از منصب‌های وزارتی و ۳۰ درصد کرسی‌های پارلمان در اختیار زنان قرار گیرد ولی در عربستان سعودی هنوز بر سر این مساله مجادله دارند که آیا زن می‌تواند رانندگی کند یا خیر. جو لوریا در ادامه مقاله خود می‌نویسد که «بهار عربی با راهبرد عربستان همخوانی ندارد. عربستان از بیم اینکه دموکراسی در کشور خود گسترش یابد اجازه نمی‌دهد دموکراسی به همه منطقه برسد؛ زیرا گسترش دموکراسی، پادشاهی ویژه این کشور را تهدید می‌کند. از این سو، گسترش دموکراسی که در نهایت منجر به سقوط پادشاهی عربستان سعودی و شکل‌گیری حکومت دموکراتیک می‌شود به معنای تضعیف یا از بین رفتن اتحاد بین عربستان و آمریکا می‌شود. بنابراین آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای خود در تلاشند تا مانع از شکل‌گیری چنین واقعه‌ای در آینده شوند. مجموع این شرایط باعث شد که سعودی‌ها طی ۵ سال حمله و محاصره یمن بخش بزرگی از زیرساخت‌های این کشور را با بمباران‌های هوایی یا از طریق مزدوران یمنی شان به رهبری منصور هادی تخریب کرده و هزینه‌های سنگین مالی به این کشور تحمیل کنند. یمن مجبور بوده هم‌زمان که در یک جنگ داخلی درگیر است با عربستان نیز در مرزهای شمالی خود بجنگد و روزانه توسط ده‌ها جنگنده بمباران شود. به دلیل محاصره این کشور کشتی‌های حامل مشتقات نفتی و مواد غذایی نیز امکان تخلیه بار در سواحل یمن را ندارند. در طی این جنگ همچنین ده‌ها هزار تن از مردم غیرنظامی، زنان و کودکان کشته، صدها هزار تن زخمی، میلیون‌ها تن آواره و بیش از ۱۰ میلیون نفر با تهدید غذایی روبه‌رو هستند. ریاض می‌داند نمی‌تواند انصارالله را زمین گیر کند به همین دلیل تلاش می‌کند زیرساخت‌های مادی یمن را نابود کند.

تلاش برای تغییر موازنه قدرت

اولین بار در اواخر دهه ۸۰ و در زمان پایان جنگ هشت ساله عراق و ایران، نظر تهران به یمن جلب شد. در سال ۱۹۹۰ زمانی که یمن و عربستان سعودی در پی تصمیم صناع برای حمایت از عراق پس از حمله صدام حسین به کویت دچار اختلاف نظر شدند، تهران در فرصت بهبود روابط با صنعا استفاده کرد. در اوایل دهه ۹۰، ایران میزبان دانشجویان مذهبی زیدی بود که طبق گزارش‌های منتشر شده، در حالی به یمن بازگشتند که از پیام انقلابی و مخالف غرب ایران الهام گرفته بودند. یکی از این دانشجویان، حسین بدرالدین حوثی بود که تازه‌امان دستگیری و درگذشت در سال ۲۰۰۶، رهبری جنبش حوثی را برعهده داشت. در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، انصارالله ۶ مرتبه با دولت علی عبدالصالح، رئیس‌جمهور تحت حمایت عربستان سعودی در یمن، وارد جنگ شدند. کشورهای حاشیه خلیج فارس که در پی سقوط صدام حسین در عراق در سال ۲۰۰۳، به‌طور فزاینده‌ای افزایش نفوذ ایران در منطقه بیم داشتند، تهران را به حمایت از حوثی‌ها متهم کردند. با این حال، تحلیلگران مستقل در مورد حمایت ایران از حوثی‌ها شک و تردید داشتند. همین دلیل، یمن به مرور زمان به‌طور فزاینده به صحنه ژورژامبی میان ایران و عربستان تبدیل شد. جنگ داخلی یمن در سال ۲۰۰۹ به خاک عربستان سعودی نیز کشیده شد و ریاض در پی نگرانی از هرگونه اقدام تهران برای کمک به براندازی صالح، به حمایت از وی ادامه داد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین دلایل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی، مسائل مرتبط با رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان است و این رقابت‌ها تمایل این کشور را برای رهبری منطقه آشکار می‌سازد.

هراس از موج دموکراسی

روزنامه هافینگتن پست در مقاله‌ای به قلم «جو لوریا» در

خود به‌صورت خودمختار شدند. بر فرض محال، حتی اگر سعودی‌ها حاضر به پایان دادن به جنگ و عقب‌نشینی از یمن باشند، امارات حاضر به چنین کاری نیست و همین مساله پیچیدگی‌های میدانی این تجاوز نظامی را نشان می‌دهد. در اینکه چرا امارات متحده عربی در این جنگ، در کنار عربستان سعودی قرار گرفت باید گفت: **یک** دلیل نخستین به ماهیت حکومت شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس بازمی‌گردد. این کشورها جزء حکومت‌های محافظه‌کار مذهبی دست‌بندی می‌شوند؛ حکومت‌هایی که از تغییرات اجتماعی گریزان بوده و دموکراسی و مردم‌سالاری و حتی ملی‌گرایسی را تهدیدی برای خود می‌دانند. امارات پیش از جنگ یمن نیز در موارد متعددی به‌دلیل شباهت ماهیت حکومتی، با عربستان متحد شده و برنامه‌های خود را به‌صورت مشترک پیش برده بود. پرونده‌هایی همانند بحران سوریه، کمک به عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور فعلی مصر برای کودتا علیه محمد مرسی، رئیس‌جمهور سابق و اخوانی مصر، دمنمونه از همکاری‌های مشترک این دو کشور پیش از شروع جنگ یمن هستند. کمک به خلیفه حقتر در لیبی که به‌عنوان رقیب دولت وفاق ملی لیبی (نزدیک به اخوان المسلمین) نمونه دیگری از همکاری این دو کشور در یک پرونده پس از آغاز جنگ یمن است. دولت‌های محافظه‌کار حاشیه جنوبی خلیج فارس، با ایران، گروه‌های مقاومت در عراق، سوریه و لبنان، اخوان المسلمین و همچنین یان‌عرب‌ها مخالف هستند و آنها را تهدیدی برای خود می‌دانند. در پرونده یمن، جنبش آزادی‌خواهانه مردم این کشور باعث شد تا اماراتی‌ها نیز احساس خطر کرده و در جنگ با این کشور پیشقدم شوند.

دو اما این مساله تمام مجاری دخالت امارات در یمن نیست. به‌جز تفاوت ماهیت حکومت میان دو کشور، یک مساله راهبردی باعث حضور امارات در یمن شد. امارات متحده عربی با ۸۳ هزار کیلومتر مربع، فاقد عمق راهبردی لازم برای تبدیل شدن به کشوری قدرتمند است. عمق راهبردی به فاصله بین خط‌مقدم یا بخش‌های نبرد رزمندگان و مناطق اصلی صنعتی، پایتخت‌ها، قلب کشور و دیگر مراکز اصلی جمعیت و تولید نظامی اطلاق می‌شود. برای درک بهتر باید گفت کشور امارات کمی بزرگتر از استان یزد است. امارات دارای تعداد معدودی شهر است که تمام آنها در نوار ساحلی این کشور واقع شده‌اند. از سویی دیگر دو شهر اصلی امارات، دبی و ابوظبی هستند و چند شهر دیگر این کشور از ظرفیت‌های لازم برای توسعه این کشور برخوردار نیستند. امارات متحده عربی تقریباً یک چهارم مساحت کشور یمن جنوبی سابق یا ۳۳۲ هزار کیلومتر مربع است. یمن جنوبی گرچه پس از اتحاد با یمن شمالی دیگر وجود ندارد، اما سرزمین‌های سابق آن هم اکنون تحت اشغال عربستان سعودی، امارات و متحدان شان قرار دارد. امارات قصد دارد با نفوذ در یمن جنوبی و ایجاد پایگاه در آن به فضای حیاتی لازم برای توسعه و افزایش قدرت خود دست پیدا کند.

سه به‌جز این دو موضوع مهم، توسعه اقتصادی دلیل عمده دیگر برای دخالت امارات در یمن است. سواحل یمن در صورت توسعه، تهدید بزرگی برای بندر دبی می‌شوند. به همین دلیل اماراتی‌ها می‌خواهند با حضور در این منطقه، مالکیت این مناطق را در اختیار خود بگیرند تا جلوی تبدیل شدن بندر یمنی عدن به‌عنوان رقیبی برای بندر دبی را گرفته و خود متولی بهره‌برداری از خطوط ساحلی این کشور شوند. اماراتی‌ها متوجه هستند که طی دهه‌های آینده نفت به‌تمام خواهد رسید و دست‌شان از درآمد‌های سرشار کوتاه خواهد ماند، به همین دلیل تصمیم گرفته‌اند محل درآمد دیگری برای خود پیدا کنند. از آنجایی که ۸۰ درصد از نفت امارات به‌امیرنشین ابوظبی اختصاص دارد دیگر امیرنشین‌ها مانند دبی و فجیره به‌سمت بندر داری و تجارت گام برداشته‌اند. امارات با توجه به تجربه دستپاچی به سود سرشار از طریق بندر داری، تصمیم دارد تا شبکه‌ای جهانی از بنادر را تحت مدیریت خود ایجاد کند. امارات از این طریق ضمن بهره بردن از سود تجارت دریایی، اخذ مالیات، درآمد سوخت‌رسانی به کشتی‌ها و... با تشکیل شبکه بنادر خودبه‌خصوص در شمال آفریقا می‌تواند دسترسی خوبی برای خود جهت بهره‌برداری از معادن این منطقه ایجاد کند. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که حتی اگر سعودی‌ها خواهان خروج از یمن باشند، امارات بدون دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود، حاضر به این کار نیست و در این مسیر حتی حاضر به درگیری نظامی با مزدوران سعودی هم شده است.

منبع:

«تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان به یمن» عبدالکریم فیروز کلابی
«تحلیل ژئوپلیتیک بحران یمن» حسین مختاری هشی و مجتبی شمس

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستانه اشرفیه در نظر دارد یک باب مغازه خود را با قیمت پایه ۱۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال برای هر ماه از طریق مزایده عمومی به‌صورت اجاره و اگذار نماید. لذا از افراد حقیقی یا حقوقی واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید تا جهت دریافت اسناد مزایده و برگه مشخصات جدا کرده روز پس از نشر آگهی به آدرس وب‌سایت <http://www.asaiu.ac.ir> یا به نشانی آستانه اشرفیه- میدان جمهوری (فلکه کاشهر) - اداره دارکازات دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستانه اشرفیه مراجعه و جهت کسب اطلاعات با شماره تلفن ۰۳۰-۴۲۱۲۶۰۱۳ تماس و پس از تکمیل، مدارک خواسته شده را حداکثر تا پایان ده روز تحویل مسئول حراست واحد نماید. ضمناً هزینه نشر آگهی به عهده برنده مزایده بوده و دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار می‌باشد.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستانه اشرفیه

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه در نظر دارد تعدادی از دام‌های مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا متقاضیان می‌توانند با واریز فیش بانکی به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال بدون استرداد و مبلغ ۳۵۰،۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مزایده به‌صورت جداگانه به حساب شماره ۰۴-۳۰۴۳۴۵۳۰۸۲۹۰۱۰۱ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه اقدام نمایند. و به مدت هفت روز کاری از تاریخ درج آگهی نسبت به دریافت و عودت اسناد مزایده به این واحد دانشگاهی مراجعه نمایند و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۴۱-۴۴۲۳۳۳۰۸۶ تماس حاصل فرمایید. ضمناً دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی

دستگاه مناقصه‌گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
موضوع مناقصه: اگذار و اگاری امور تعمیر و نگهداری تاسیسات واحد
مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد: از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز (از ساعت ۹- صبح لغایت ۱۶)
زمان و محل دریافت اسناد: تهران- غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی- خروجی حکیمیه- خیابان شهید صدوقی- بلوار وفادار- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دانشکده علوم انسانی طبقه پنجم- معاونت توسعه مدیریت و منابع- تلفن ۴۸۱۰۰۹۸۰۰ داخلی ۱۴۶۲ (آقای فولادلو)
مهلت ارائه پاکت: تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱
مدارک لازم جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه یا کارت شناسایی متقاضی و فیش واریزی به‌مبلغ ۱۰۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب ۰۴-۳۵۸۹۳۰۸۰۱ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (غیر قابل استرداد) دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه

فرهیختگان

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۴۶-۶۶۳۴۸۰۱۸

فکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۷

ایمیل: a66348018@gmail.com